



مردم در گفت و گو با شهر ونگ هر کس به طریقی سرما می شکند بیگانه جدا دوست جدا، می شکند!

کارشناس امور یمن: بیگانه اگر می شکند که می زنییم سرو بیش می کنیم!
کارشناس امور تصادفات قطار: از دوست پیر سید که آخه دوست عزیز
چرا حواست رو جمع نمی کنی!
احمدی نژاد: نمی دونم! شاید اینم تقصیر منه! تعارف نکنیدها!
#طبیعت بی جان #شهر ونگ

موزه زنده کمونیسم، مُرد! کمونیست های جهان عزادار شوید!

فیدل کاسترو با آن چهره کارزماتیک، با آن لباس چریکی و سیگار برگش
علاوه بر مبارزین و چپ گرایان، الگو و سرمشق جوانان سیگاری هم بود!
تیتو یک روز نامه ورزشی: چریک چپ، چپه شد!
سیگار برگ عامل اصلی نودسالگی است و برای سلامتی مضر است!

زورخونه

سرما چگونه به اقتصاد ملی کمک می کند؟

سوشیالیست شجاعی فرد
طنز نویس
soshyans.fard@gmail.com

شاید شما هم می بینداشتید که سرما، جزو خسارت و خسران و سیل و برف و کوران و قطع برق چیزی نداره اما خود غلط بود آنچه می بیندشتید و باز هم مانند همیشه در غفلت و ناآگاهی به سر می برید!

نخستین کاسب هوای سرد، رانندگان بسیاری جمتکش تاکسی هستند که ناظرهای باران بزند، تانهای برف بیاید، تا دو درجه هوا سرد شود، فقط در دست سوار می کنند و خوب شما هم در این سرمای پیروز کش ممکن است بمیرید و مجبورید گریه هزار تومنی را ۱۰ هزار تومان بدهید و اینگونه به اقتصاد رانندگان تاکسی کمک کنید!

در سرمایایی مانند آنچه چند روز پیش در کشور شاهد بودیم، عید باتری سازها هم هست! مراجعات مکرر باتری هایی که بر اثر سرما خولیده، باعث رونق پسابرجامی می شود! باید زنگ بزیند به تسماح خودرو! این حرف های بیسنان آبی که تا کابوت خودرو را بالا می زنید، آب شیشه شور را نگاه کنید، صدای فرژزنجیر جر نقلیلشان می آید خودرو را به دندان می کشند و می کشند!

فصل سرما اگر با ریختن برف های پاییزی یا بارش برف همراه باشد، بیشترین منفعت اقتصادی از این شرکت های اینترنتی می کنند که هی به شما حجم و گیگابایت اضافه فرو می کنند، از پس که یادارید عکس و فیلم از برگ زرد و برف نو آلود می کنید یا یادارید برف نو برگ زرد دوستانتان را می بینید و لایک می کنید!

سرما همچنین به اقتصاد کافه ها هم کمک می کند و در این سرمای همچنان پیروز کش، مگر می شود داخل کافه زوربید و یک فنجان قهوه نخورد و از پنجره آمن برف را ببیند؟! اگر چنین نکنید، چگونه با وجدانتان روبرو خواهید شد؟! هه؟!!

سرما فصل رونق بازار هم هست! گردش مالی لباس گرم فروشی ها در بیکه بالا می رود و همچنین صنف بخاری فروش هم که در دکانتاشن عروسی است! آه! هر بخاری گازی و برقی را دوبار می کنند در سید خرید شما در مواقع بحرانی، وقوع سرما و برف باعث رونق کار برنامه سازهای بخش های خبری صداوسیما می شود که بیاند روی آنتن و غافلگیر شوند و از اقدامات در دست اقدام بگویند و حرص مردم را در بیابانند! گردش مالی ساختن این برنامه ها و تبلیغات و سوشل و قرص انصافی که مردم مصرف می کنند، مرزهای اقتصاد کشور را جابه جا می کند و به سادگی نیاید از آن گذشت!

همچنین هیچان دختران و پسران برای ساختن آدم برفی و آلود کردن ۸ استوری، ۴ عکس و ۵ فیلم از ما به اینستاگرام، باعث رونق فروش هویج و لباس دسته دو در بازار می شود که خود بخشی از رونق بخشی سرما به اقتصاد بیژدماست!

سوز سرما همچنین به رونق سینماهای کشور هم کمک می کند! خوب در این سرما جوانانی هستند که مکان ندارند (مکان گرم و فرهنگی) که بهترین و ارزان ترین و تاریک ترین مکان برای آنها، سینماست! دو قران پول بلیت می دهید و چهار قران پول بلیت می دهید و در یک فضای گرم و تاریک مشغول دیدن فیلم و... می شوید و بدین سان به اقتصاد کشور خودتان کمک کرده و در عین حال با آینه دنگری به رشد جمعیت کمک می کنید!

حالا دیگر اشاره نمی کنم که یک پوران بزند قیمت زنجیر چرخ چند درصد بالا می رود و قیمت لبو به سقف می چسبد و قیمت باقالی دیگر چیست؟ قیمت باقالی هم بالاتر از قیمت نفت می رود و نمی گویم قیمت گاز صادراتی ما قدر می شود و خلاصه نگم برات!

باشد که زمین پس، مسئولان اقتصادی کشور با واردات سرما از چین، به اقتصاد ملی ایران کمک کنند!

تماشاخانه

کیوان زرگری | کارتون نویس | keyvanzargari@yahoo.com



موج سرما امسال هم غافلگیر کرد

شهر ونگ

تلفنخونه

سامی ریگی - جمشید؟ چرا گلچین روزگار آن قدر پرکار شده؟ چرا می چینه؟ چرا باند کرده به ما؟! جمشید مگه نمی گفتی پاییز قشنگه؟ مگه نمی گفتی برگ زینوای پاییز قشنگه؟ خوب این بود؟! ما دلمون خوش بود تو این پاییز دیگه دلمون نمی لرزه! گفتیم: این دفعه نه هر دفعه است که تا گرمای تابستون می رفت، تا یکم هوا سرد می شد، دل ما به دلشوره میفتاد! قدری که تو از پاییز تعریف کردی، ما گفتیم امسال ما هم مثل بقیه از پاییز خوشمون میاد! اما این پاییز که برگ ریزون نبود، آدم ریزون بود، دیگه چیکار زوار داشت! آخه! جمشید؟ تو که می گفتی پاییز پادشاه فصل هاست! حالا فهمیدم چرا زده همه رو قلع و قمع کرده پاییز! اوسه این بهش میگی پادشاه فصل ها!

- خیلی ببخشید وسط صحبت قشنگتون میام اولی فکر کنم می خواستید به رادیو چهرای زنگ بزنید! این جاشهر ونگه!
- چه فرق داره برادر! دل بر غصه، دنبال یکی می گرده که واسش حرف بزنه!

کوچه دوم

ارمغان زمان فشمی

پرسش

بهره هر کربلا رفتند یاران
دو صد آلودگی در شهر تهران
بمانم در امان ای شهریاران؟

حوادث تلخ

در این مدت بلاها کم نبوده
تصادف، انفجار، آتش، سرودت
ولی دارد فقط بخش حوادث!

کوچه اول

علی اکبر محمدخانی | باران باریده بود آن شب، قلو دستگهای بزرگ از دل کوه کنده شده بودند و درست نشسته بودند روی خط آهن. مرد فانوس به دست صدای جیغ قطار را می شنید. فرصت اندک بود. در چشم به هم زدنی مردمان در خون می شدند، باید کاری می کرد. پیراهنش را مشعل کرد. نفت فانوس را بر آن ریخت، شعله ای بر آن انداخت و به سمت قطار سیاه دوید. قطار ترمز گرفت و ایستاد. مرد ها پیاده شدند و سنگ ها را از روی ریل کنار زدند، خط آهن باز شد. قطار چندبار از روی سیاس برای مرد سوت کشید. مسافران برای مرد دست تکان دادند. قطار از مقابل دیدگانش گذشت و در سیاهی شب گم شد. مرد ماند و پیراهنی سوخته و فانوسی که دیگر نفت نداشت. کیلومترها جلوتر مردی که نه پیراهن داشت و نه نفت، خود را به زیر قطار انداخته بود. قطار ایستاده بود. مرد ها پیاده شده بودند. گوهر یزش کرده بود...

تزییقات

از پذیرش هر گونه حادثه معذوریم

پس چه بهتر که قضیه سیاسی شود و فردا یک موج دیگر خبری بیاید و بشورد ببرد پایین ... بله ... شکر خدا رسید که فیدل کاسترو در هم در گذشت. این هم موج جدید! این که میگن خداروزی رسونه، اینها!!

غافلگیری

یکی از اتفاقات بازمزهای که بعد از حوادث غیر مترقبه و مترقبه در کشور می افتد، بحران فلان منطقه را به عهده دار، منشی اش می آید تو اتاقتش و می گوید: جناب رئیس! در فلان جا ما در گیر این بحران شدیم. مدیر بحران تو متر از جایش می پرد و در حالی که عرق بر پیشانی اش نشسته می گوید: چطور ممکنه؟! آخه الان موقع ناهار، من آمادگی شو ندارم یا مثلاً در آذر ماه آسمان تصمیم می گیرد مقدار برف به زمین حواله کند. منشی استانداری فرماندار، بخشدار، شهردار یا هر دار دیگری می رود تو اتاق دار و می گوید: جناب دارا برف آورده، دار هم که همین طور سرش توی گوشه است و دارد عکس های ملت را با برگ پاییزی بوت و در آستانه فصلی سرد لایک می کند، می گوید: بهش بگین بره دو ماه دیگه بیاد. الان چه موقع بره؟ یک سری از مسئولان هم ضمن گلایه از برف گفتند: الان ما آمادگی رو نداریم.

دانیال فتاحی
طنز نویس

یکشنبه ۷ آذر ۹۵ را در حالی شروع می کنیم که دوستان با عزمی راسخ کمر به سیاسی کردن اتفاقات بسته اند، یعنی از لحظه ای که این دو قطار برخورد کرده اند به هم یک گروه کف دست هایشان را به هم می مالند و می گویند: آخ جون! استیضاح وزیر راه و شهرسازی! گروه مقابل هم متقابل دست هایشان را به هم می مالند و می گویند: آخ جون! فرار از پاسخگویی به علت سیاسی شدن فضا! خلاصه وضع غریب است. کم مانده گفته شود متأسفانه آقای ریزعلی خواجوی بعد از آن حادثه اقدام به تربیت نسل بعدی نکرد و برای همین دیدیم در این حادثه کسی نبود که قطار ها را آگاه کند. با این حال بنده فکر می کنم اگر ریزعلی خواجوی هم بود و همان حرکت را تکرار می کرد، احتمالاً منتهم به موارد زیر می شد:

- خدشه دار کردن عفت عمومی از طریق در آوردن لباس جلوی زن و بیجه مردم
- حمل سلاح
- تخریب اموال عمومی از طریق شلیک به قطار
- اختلال در برنامه ریزی قطار که می خواست سر وقت به کوه بخورد و از این دست موارد.

شهر ونگ

افشین سبویکی | کارتون نویس



شهر ونگ